

مقایسه حجاب از نظر شهید مطهری و ویل دورانت

مرضیه مرادی^۱

چکیده:

این مقاله به مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های شهید مرتضی مطهری، متفکر برجسته اسلامی، و ویل دورانت، مورخ و فیلسوف غربی، درباره حجاب می‌پردازد. هر دو اندیشمند بر قدمت تاریخی حجاب در تمدن‌های پیش از اسلام، نظیر ایران باستان و یهود، صحنه می‌گذارند و وجود اشکال سخت‌گیرانه آن را در طول تاریخ تأیید می‌کنند. این پژوهش با استفاده از کتب تاریخی و فلسفی و به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده است. با این حال، تفاوت‌های اساسی در مبانی فلسفی و تحلیل چرایی حجاب بین آن‌ها آشکار است. شهید مطهری، حجاب را نه محدودیت، بلکه مصونیت برای زن، عاملی برای حفظ کرامت و عفت او، و تحکیم بنیان خانواده و سلامت جامعه می‌داند. از منظر وی، فلسفه حجاب اسلامی ریشه در فطرت، اخلاق و احکام الهی دارد و هدف آن، محدود کردن کامیابی‌های جنسی به محیط خانواده برای پاکسازی روابط اجتماعی است. در مقابل، ویل دورانت ریشه‌های حجاب را بیشتر در عوامل اجتماعی، روان‌شناختی مردان (مانند حسادت و تمایل به تملک زن) و شرایط فرهنگی می‌بیند. او حجاب‌های سخت را نشانه محدودیت و انزوای زنان در برخی تمدن‌ها تلقی می‌کند و کمتر به ابعاد ارزشی یا کمال‌بخش آن می‌پردازد. این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت در مبانی فکری، به تحلیل‌های متفاوت از کارکردها و پیامدهای حجاب منجر می‌شود.

کلیدواژه: حجاب از دیدگاه شهید مطهری، پوشش، حجاب از دیدگاه ویل دورانت

^۱ نویسنده و طلبه مدرسه علمیه حضرت زهرا (سلام الله علیها)، سطح دو، ممیبد

۱. مقدمه

حجاب پوشش خاصی است که از ابتدای خلقت همواره از نیازهای اولیه به شمار می‌رفته و باگذشت زمان و رشد انسان و خروج از بدویت، طرح لباس، جنس و حالت آن نیز تغییر کرده و در کنار سایر جنبه‌های زندگی بشر به پیشرفت خود ادامه داده است، حجاب در ادیان آسمانی زمینه‌ساز رشد و کمال آدمی تا مراتب عالی انسانیت است.

آشکار است شهید آیت‌الله مرتضی مطهری یکی از شخصیت‌های کم‌نظیر در تاریخ اسلام و یکی از دانشمندان اسلام‌شناس و محقق توانا به شمار می‌رود.

ویل دورانت نویسنده و مورخ آمریکایی است که علاوه بر نویسندگی، فعال اجتماعی نیز بوده و برای دستمزد برابر حق رأی زنان و شرایط کاری عادلانه‌تر برای نیروی کار آمریکا مبارزه کرده است. او معتقد است این ایرانیان بودند که بر فرهنگ اسلام تأثیر گذاشته و حجاب سخت‌گیرانه را به اسلام تحمیل کردند و ارتباط اعراب با ایران موجب رواج حجاب در قلمرو اسلام بود. اما به اعتقاد شهید مطهری حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر، به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد.

طبق دیدگاه شهید مطهری به‌عنوان یک متفکر مسلمان، طرح ضرورت پوشش اسلامی برای بانوان، به گونه مستدل و متقن، آن هم در عصر برهنگی و اباحی‌گری و در دوران دین‌ستیزی، برای تحصیل‌کردگان و قشر روشنفکر جامعه است و طبق سخنان ویل دورانت به‌عنوان یک متفکر آمریکایی، بر این باور است که نقش حجاب و پوشش زنان در ایران باستان برجسته بوده است و در یونان باستان نیز زنان در صورت حفظ حجاب کامل می‌توانستند در مراسم مذهبی و دیدار با خویشان و دوستان خود شرکت کنند. حجاب که یک امر الهی و موردتوجه همه‌ی ادیان است، از نظر دو متفکر بزرگ که به این مسئله توجه داشتند، شهید مطهری به‌عنوان یک اندیشمند مسلمان، در طرف دیگر شخصیتی بنام ویل دورانت یک متفکر آمریکایی موردبررسی قرار خواهیم داد.

کتاب‌های متعددی در مورد حجاب نوشته شده است، از جمله کتاب مسئله حجاب (شهید مطهری، ۱۳۷۹) و مقاله (حجاب در اسلام، شهید مطهری) و مقاله (دیدگاه ویل دورانت در مورد حجاب، کمالی) که به مبحث حجاب در اسلام پرداخته‌اند که ما در این تحقیق قصد داریم به‌صورت ویژه به مقایسه حجاب از نظر شهید مطهری و ویل دورانت بپردازیم. در این تحقیق روش پژوهش، به‌صورت توصیفی - تحلیلی است. جهت گردآوری اطلاعات و داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از کتب، مجلات و سایت‌های تخصصی اینترنتی استفاده شده است و اطلاعات موردنیاز گردآوری شده است.

۲. مفاهیم و کلیات حجاب

حجاب در لغت به معنای پرده، مانع، و پوشش است. اما در اصطلاح اسلامی، به پوشش شرعی زن در برابر نامحرم اطلاق می‌شود که شامل پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دست‌ها (تا مچ) می‌گردد (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۳). این حکم که از ضروریات دین اسلام به شمار می‌آید، ریشه در آیات قرآن کریم (مانند آیه ۳۱ سوره نور و آیه ۵۹ سوره احزاب) و سنت پیامبر (ص) دارد (ویکی‌فقه؛ نمناک، "انواع حجاب که در قرآن به آن اشاره شده است"). فلسفه اصلی حجاب در اسلام، حفظ کرامت و مصونیت زن از نگاه‌های شهوانی، ایجاد آرامش روانی در جامعه، تحکیم بنیان خانواده، و جلوگیری از مفاسد اجتماعی است (دانشگاه بیرجند، "فلسفه حجاب چیست؟"). حجاب در اسلام صرفاً یک پوشش ظاهری نیست، بلکه نشانی از عفاف و حیا بوده و با عدم خودنمایی، به سلامت معنوی فرد و جامعه کمک می‌کند (پرسمان دانشگاهیان، "پوشش اسلامی - حجاب اسلامی - انواع حجاب"). پوشش، سابقه‌ای دیرینه در تاریخ بشری دارد و صرفاً به اسلام محدود نمی‌شود؛ شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در تمدن‌های باستان نیز اشکالی از پوشیدگی، به‌ویژه برای زنان، وجود داشته است (دورانت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۴۳۳). بالاین‌حال، اسلام با تبیین فلسفه‌ای عمیق‌تر، حجاب را از صرف یک رسم یا سنت اجتماعی فراتر برده و آن را جزئی از نظام اخلاقی و حقوقی خود قرار داده است. هدف از حجاب اسلامی، سلب آزادی نیست، بلکه ارتقای آزادی‌های حقیقی و معنوی زن در جامعه و حفظ کرامت او از نگاه‌های تقلیل‌گرایانه است (مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۲۷). این مفهوم، برخلاف تصور برخی، منافاتی با حضور فعال و مؤثر زن در عرصه‌های اجتماعی، علمی و سیاسی ندارد.

۳. مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب، واژه‌ای عربی است که ریشه‌ای عمیق در ادبیات و فرهنگ اسلامی دارد. از نظر لغوی، این کلمه به معنای پوشش، پرده، حائل یا مانع به کار می‌رود. هر چیزی که بین دو پدیده قرار گیرد و مانع دیدن یا دسترسی به آن شود، در زبان عربی می‌تواند "حجاب" نامیده شود. به همین دلیل است که به دربان، "حاجب" می‌گویند؛ زیرا او مانعی برای ورود افراد به یک فضای خاص است (فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۲۲؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۰۱). اما در اصطلاح دینی و فقهی اسلام، معنای حجاب خاص‌تر می‌شود و به پوشش شرعی زنان در برابر نامحرم اشاره دارد. این پوشش که شامل پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دودست تا مچ است، فراتر از یک پوشش ظاهری ساده است. هدف اصلی از این حکم، حفظ عفت، کرامت و مصونیت زن از نگاه‌های ابزاری و شهوانی، و همچنین ایجاد سلامت اخلاقی و آرامش روانی در جامعه است (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۳). حجاب در این بستر، نه محدودیت، بلکه مصونیتی برای زن محسوب می‌شود که به او اجازه می‌دهد با حفظ حریم و وقار خود، به فعالیت‌های اجتماعی و فردی بپردازد.

۴. تاریخچه حجاب

شهید مطهری در کتاب "مسئله حجاب" تصریح می‌کند که حجاب پدیده‌ای مختص اسلام نیست و پیش از اسلام نیز در میان بسیاری از ملت‌ها وجود داشته است. او به طور خاص به ایران باستان و قوم یهود اشاره می‌کند که حجابی به‌مراتب سخت‌تر از حجاب اسلامی در میانشان رایج بوده است. مطهری از ویل دورانت نیز در این باره نقل‌قول می‌آورد (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱). به نظر شهید

مطهری، ایران باستان در زمان زرتشت، زنان از آزادی بیشتری برخوردار بودند و با روی گشاده در میان مردم رفت و آمد می‌کردند. اما پس از داریوش، به‌ویژه در طبقات ثروتمند، مقام زن تنزل یافت و حجاب سخت‌گیرانه‌تری رواج پیدا کرد. زنان طبقات بالای اجتماع جز در تخت‌روان‌های سرپوشیده از خانه خارج نمی‌شدند و اجازه معاشرت آشکار با مردان را نداشتند؛ حتی پدران و برادران نیز نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می‌شدند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱ به نقل از دوران، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

حجاب در میان یهودیان، بر اساس قانون تلمود، بسیار شدید بوده است. زنی که بدون پوشش سر به میان مردم می‌رفت یا صدایش بلند بود، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱ به نقل از دوران، تاریخ‌تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰).

شهید مطهری در مورد عرب جاهلیت معتقد است که حجاب به معنای پوشش کامل وجود نداشته و این اسلام بود که حجاب را در میان آنان رواج داد (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱).

مطهری در نهایت بیان می‌کند که اسلام مبتکر حجاب نیست، بلکه آن را در چارچوب فلسفه و اهداف خود تأیید و تبیین کرده است. او در ادامه به‌نقد ریشه‌هایی می‌پردازد که برخی برای حجاب در طول تاریخ مطرح کرده‌اند (مانند حسادت مردان، ریاضت‌طلبی) و ریشه اصلی حجاب اسلامی را در فطرت، اخلاق و احکام الهی می‌داند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲ به بعد).

حجاب از نظر ویل دوران در کتاب "تاریخ‌تمدن" خود، به بررسی اشکال مختلف پوشش در تمدن‌های گوناگون می‌پردازد. او نیز مانند مطهری به وجود حجاب در دوران پیش از اسلام اذعان دارد.

ویل دوران در مورد ایران باستان توضیح می‌دهد که پس از دوران زرتشت و به‌ویژه در دوران هخامنشیان، حجاب در میان طبقات مرفه ایرانی بسیار سخت‌گیرانه شد. او می‌نویسد که زنان طبقات بالا جرأت نداشتند جز در تخت روان روپوش‌دار از خانه خارج شوند و حتی با پدر یا برادر خود نیز آشکارا معاشرت نمی‌کردند. وی اشاره می‌کند که در نقوش باقی‌مانده از ایران باستان، تصویری از زنان دیده نمی‌شود و این خود نشانه‌ای از شدت حجاب است (دوران، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

ویل دوران به قوانین تلمود یهود اشاره می‌کند که برای زنان، پوشش بسیار سخت‌گیرانه‌ای را تجویز می‌کرده است. او ذکر می‌کند که زن یهودی اگر بدون پوشش سر به میان مردم می‌رفت یا صدای بلندی داشت، شوهرش حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد (دوران، تاریخ‌تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰).

ویل دوران در تحلیل تاریخی خود، ریشه‌های حجاب را بیشتر در عواملی مانند حسادت مردان و تمایل به تملک زن و همچنین مقررات مربوط به زن حائض در برخی ادیان می‌داند. وی حتی به‌اشتباه، این گوشه‌نشینی زن حائض را مبنای پرده‌پوشی در میان مسلمانان نیز قلمداد می‌کند (دوران، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲)، که مورد نقد شهید مطهری و سایر محققان اسلامی قرار گرفته است. او همچنین در جایی دیگر، ارتباط عرب با ایران را از موجبات رواج حجاب در قلمرو اسلام می‌داند (دوران، تاریخ‌تمدن، ج ۱۱، ص ۱۱۲).

به طور خلاصه، هر دو متفکر بر وجود تاریخی حجاب پیش از اسلام صحه می‌گذارند. اما درحالی‌که مطهری ریشه‌های حجاب اسلامی را در مبانی عمیق‌تر دینی و فطری می‌بیند، ویل دوران بیشتر به عوامل اجتماعی، فرهنگی، و روان‌شناختی (مانند حسادت و تملک) که در طول تاریخ منجر به پیدایش حجاب شده‌اند، توجه می‌کند. سابقه حجاب و پوشش در اسناد تاریخی به دوران خیلی قبل از اسلام باز

می‌گردد. حجاب در معنای اصلی خود؛ به‌عنوان پرده و پوشش از دیرباز و قبل از ظهور دین اسلام و حتی در زمان باستان در بین جوامع مختلف بشری وجود داشته است.

۵. محدوده حجاب از دیدگاه شهید مطهری

از دیدگاه شهید مطهری، محدوده حجاب در اسلام، پوشش تمام بدن به جز صورت و دودست تا مچ مهم‌ترین و صریح‌ترین حد پوشش در اسلام، پوشاندن تمام بدن به جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ است. ایشان به آیه ۳۱ سوره نور "وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا" (و زینت‌های خود را آشکار نکنند، مگر آنچه آشکار است) استناد می‌کند و با توجه به تفاسیر و روایات، "ما ظهر منها" (آنچه آشکار است) را به‌صورت و دست‌ها (تا مچ) تعبیر می‌کند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۳ و ۱۴۴).

۵-۱ پوشاندن سروگردن و گریبان

مطهری با اشاره به آیه ۳۱ سوره نور که می‌فرماید: "وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ" (و روسری‌های خود را بر گریبان‌هایشان ببندازند)، توضیح می‌دهد که این آیه به‌صراحت دستور می‌دهد که زنان باید با روسری، سر، گردن و گریبان خود را بپوشانند. هدف از این دستور این بوده که آن قسمت‌هایی از بدن که معمولاً در معرض دید قرار می‌گرفتند و با زینت‌های زنانه (مانند گردن‌بند) خودنمایی می‌کردند، پوشیده شوند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۴۴).

۵-۲ پرهیز از خودنمایی و جلوه‌گری

فراتر از پوشش فیزیکی، شهید مطهری بر جنبه‌های رفتاری و اخلاقی حجاب تأکید دارد. او معتقد است که زن نباید با رفتار، گفتار، آهنگ صدا یا پوشش خود به‌گونه‌ای عمل کند که موجب تحریک و جلب‌توجه نامحرم‌ان شود. این مفهوم "تَبَرُّج" (خودنمایی) است که در قرآن کریم نیز از آن نهی شده است (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۳).

۵-۳ عدم حبس زن در خانه

مطهری به‌شدت با تصور غلطی که حجاب را به معنای خانه‌نشینی و انزوای زن می‌داند، مخالفت می‌کند. او بیان می‌دارد که اسلام هرگز دستور به حبس زن در خانه نداده و زن می‌تواند با رعایت حدود شرعی در فعالیت‌های اجتماعی، علمی و اقتصادی شرکت کند. ایشان این اشکال را بر حجاب‌های نوع هندی یا یهودی وارد می‌داند، نه حجاب اسلامی (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۷-۱۲۲). به‌طور خلاصه، محدوده حجاب از نظر شهید مطهری، پوششی است که ضمن حفظ کرامت و عفت زن، مانع از حضور فعال و باوقار او در جامعه نمی‌شود. این پوشش باید شامل تمام بدن به جز صورت و دست‌ها تا مچ باشد و با پرهیز از جلوه‌گری همراه گردد.

۶. محدوده حجاب از دیدگاه ویل دورانت

ویل دورانت به بررسی پوشش و حجاب در تمدن‌های مختلف می‌پردازد. او عمدتاً محدوده حجاب را نه بر اساس یک قانون یا دستور اخلاقی ثابت، بلکه بر مبنای تحولات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف توصیف می‌کند؛ بنابراین، نمی‌توان یک "محدوده واحد" برای حجاب از دیدگاه ویل دورانت در نظر گرفت، بلکه باید به موارد متفاوتی که او در تمدن‌های مختلف به آن اشاره کرده، توجه کرد:

۶-۱ ایران باستان

ویل دوران‌ت بیان می‌کند که پس از دوران داریوش، به‌ویژه در میان طبقات ثروتمند ایران، مقام زن تنزل پیدا کرد و حجاب بسیار سخت‌گیرانه‌تر شد.

الف- خانه‌نشینی و انزوا

زنان طبقات بالا جرأت نداشتند جز در تخت روان‌های روپوش‌دار از خانه بیرون بیایند (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲). این نشان می‌دهد که محدوده حجاب برای این دسته از زنان، فراتر از صرف پوشاندن بدن بود و شامل پرهیز از حضور در انظار عمومی به‌صورت آشکار می‌شد.

ب- عدم معاشرت آشکار با مردان

هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمیزش کنند. حتی پدران و برادران نیز نسبت به زن شوهردار نامحرم شمرده می‌شدند و زن شوهردار حق نداشت هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرش باشد، ببیند (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲). این نشان‌دهنده یک محدوده بسیار بسته برای ارتباطات اجتماعی زنان است.

ج- عدم وجود تصویر زنان

ویل دوران‌ت به این نکته اشاره می‌کند که در نقاشی‌ها و آثار باقی‌مانده از ایران باستان، هیچ صورت زنی دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد که این خود حاکی از شدت حجاب و پرده‌نشینی است (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

۲-۶ قوم یهود

ویل دوران‌ت به‌سختی حجاب در میان یهودیان اشاره می‌کند.

الف- پوشش سر الزامی

اگر زنی بدون پوشش سر به میان مردم می‌رفت، مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰). این نشان می‌دهد که پوشاندن سر یک جزء اساسی از محدوده حجاب در یهودیت بوده است.

ب - محدودیت‌های رفتاری و گفتاری

قوانین تلمود بیان می‌داشت که اگر زن در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخی از مردان درد دل می‌کرد یا صدایش آن‌قدر بلند بود که همسایگانش می‌توانستند سخنان او را بشنوند، مرد حق طلاق بدون مهریه داشت (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱۲، ص ۳۰). این موارد، محدوده حجاب را به حفظ وقار در رفتار و گفتار و حتی کنترل صدا نیز گسترش می‌داد.

۳-۶ عوامل مؤثر بر محدوده حجاب از دید دوران‌ت

ویل دوران‌ت یکی از ریشه‌های اصلی حجاب‌های سخت را حسادت مردان و تمایل به تملک زن می‌بیند. او معتقد است که برای جلوگیری از جلب‌توجه دیگران و حفظ زن به‌عنوان یک دارایی شخصی، مردان تمایل به پنهان‌کردن زنان خود داشته‌اند (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲). ویل دوران‌ت حتی اشاره می‌کند که ارتباط عرب با ایران از موجبات رواج حجاب در قلمرو اسلام بود (دوران‌ت، تاریخ‌تمدن، ج ۱۱، ص ۱۱۲)، که نشان می‌دهد او محدوده حجاب را تحت‌تأثیر تبادلات فرهنگی نیز می‌داند.

از نظر ویل دورانت حداقل حجاب برای دختران و زنان پوشش موی سر هنگام نماز، دعا و در مقابل افراد نامحرم و پوشاندن دست‌ها حداقل تا زیر آرنج و پاها تا مچ‌پا می‌باشد و حجاب به‌وسیله ایرانیان پیش از مسلمان شدنشان در میان مسلمانان رواج یافت (کاظم‌پور و جمعی از همکاران، ۱۳۹۷). به‌طور کلی، ویل دورانت در بررسی‌های تاریخی خود، محدوده حجاب را بسیار وسیع‌تر و سخت‌گیرانه‌تر از صرف پوشاندن بدن در نظر می‌گیرد. این محدوده، بسته به تمدن مورد بررسی، می‌تواند شامل پوشش کامل سرتاپا، انزوای اجتماعی، محدودیت در گفتار و رفتار، و حتی عدم اجازه به حضور زن در آثار هنری باشد. او این محدودیت‌ها را بیشتر نتیجه عوامل اجتماعی، روان‌شناختی و فرهنگی می‌دانی تا دستورات الهی یا اخلاقی.

۷. وجوه اشتراک در زمینه حجاب از دیدگاه دو اندیشمند

درک پدیده حجاب نیازمند بررسی ابعاد مختلف آن است. وقتی دیدگاه‌های دو متفکر برجسته، شهید مرتضی مطهری به‌عنوان یک نظریه‌پرداز اسلامی و ویل دورانت به‌عنوان یک مورخ نامدار غربی، در کنار هم قرار می‌گیرند، تصویر جامع‌تری از این مفهوم به دست می‌آید. این دو، باوجود تفاوت‌های اساسی در مبانی فکری و روش‌شناسی، نقاط اشتراک و افتراقی در تحلیل خود از حجاب دارند.

۷-۱ سابقه تاریخی حجاب

هر دو متفقد القول هستند که حجاب پدیده‌ای نوظهور نیست و ریشه‌های آن به‌پیش از ظهور اسلام بازمی‌گردد.

شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب به‌وضوح بیان می‌کند که "اسلام مبدع حجاب نیست" و این پدیده پیش از اسلام در تمدن‌هایی مانند ایران باستان و قوم یهود رایج بوده است (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱).

ویل دورانت نیز در تاریخ‌تمدن، به‌تفصیل به اشکال مختلف پوشش در تمدن‌های کهن می‌پردازد. او در توصیف جامعه ایران باستان پس از داریوش و همچنین در میان یهودیان، به وجود حجاب‌های سخت‌گیرانه اشاره می‌کند و این واقعیت تاریخی را تأیید می‌نماید (دورانت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲؛ ج ۱۲، ص ۳۰).

۷-۲ تأیید وجود حجاب‌های افراطی و محدودکننده در تاریخ

هر دو به وجود اشکالی از حجاب در طول تاریخ اشاره می‌کنند که بسیار فراتر از یک پوشش معمولی بوده و منجر به انزوای زن می‌شده است. مطهری با نقل قول از دورانت، به حجاب بسیار سخت زنان طبقات مرفه ایرانی در دوران هخامنشی اشاره می‌کند که حتی اجازه معاشرت آشکار با پدر و برادر خود را نداشتند و جز در تخت‌روان‌های سرپوشیده از خانه خارج نمی‌شدند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۱). او این نوع حجاب را مورد تأیید اسلام نمی‌داند.

ویل دورانت نیز در توصیف این موارد، به‌سختی حجاب در ایران باستان و همچنین قوانین تلمود یهود اشاره می‌کند که برای مثال، زن یهودی اگر بدون پوشش سر به میان مردم می‌رفت، شوهرش حق طلاق او را بدون پرداخت مهریه داشت (دورانت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲؛ ج ۱۲، ص ۳۰). این توصیفات نشان‌دهنده ابعاد محدودکننده حجاب در برخی ادوار تاریخی است.

۸. وجوه اختلاف در زمینه حجاب از دیدگاه دو اندیشمند

شهید مطهری حجاب را موجب مصونیت و کمال زن برای سلامت جامعه می‌داند، درحالی‌که ویل دورانت آن را بیشتر پدیده‌ای تاریخی با ریشه‌هایی چون حسادت مردان و محدودکننده زن توصیف می‌کند.

۸-۱ فلسفه و چرایی اصلی حجاب

شهید مطهری فلسفه اصلی حجاب اسلامی را در مصونیت زن، حفظ کرامت و ارزش انسانی او، تحکیم بنیان خانواده، و ایجاد سلامت اخلاقی در جامعه می‌داند. او حجاب را تجلی فطرت حیا و عفاف می‌داند که به زن امکان می‌دهد از نگاه‌های ابزاری و جنسیتی در امان باشد و جاذبه‌هایش را تنها برای همسر خود حفظ کند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۲۲، ۹۳ و ۱۳۷). به باور او، حجاب راهی برای جلوگیری از "ابتذال" زن است.

ویل دورانت در مقابل، ریشه‌های حجاب را عمدتاً در عوامل جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و تاریخی می‌بیند. او حسادت مردان و تمایل به تملک زن را یکی از محرک‌های اصلی برای تحمیل حجاب می‌داند؛ مردان برای جلوگیری از رقابت و حفظ "دارایی" خود، زن را پوشیده نگاه می‌داشتند (دورانت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲). او کمتر به ابعاد معنوی یا کمال‌بخش حجاب می‌پردازد و بیشتر بر جنبه‌های کنترلی یا حتی سرکوب‌گرایانه آن در طول تاریخ تأکید می‌کند.

۸-۲ هدف و کارکرد اجتماعی حجاب

شهید مطهری حجاب را عامل سلامت و پویایی جامعه می‌داند. او معتقد است که بی‌بندوباری جنسی، نیروی کار و فعالیت‌های اجتماعی را فلج می‌کند و کانون خانواده را سست می‌سازد. حجاب با محدودکردن کامیابی‌های جنسی به محیط خانواده، انرژی جامعه را به سمت سازندگی و پیشرفت هدایت می‌کند (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۷-۹۸).

ویل دورانت در توصیفات خود، حجاب را بیشتر با انزوا و عدم حضور فعال زنان در برخی جوامع مرتبط می‌داند. او عمدتاً به پیامدهای تاریخی و اجتماعی حجاب می‌پردازد که می‌تواند شامل محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی باشد، و کمتر کارکرد مثبت و فعال‌کننده آن را برای جامعه در نظر می‌گیرد.

۸-۳ نگاه به آزادی زن

شهید مطهری حجاب را ضامن آزادی حقیقی زن می‌داند. او معتقد است که آزادی مطلق و بی‌قیدوشرط، می‌تواند به اسارت و بردگی زن در شهوات و نگاه‌های تقلیل‌گرایانه منجر شود. حجاب با تأمین امنیت و حریم خصوصی زن، او را از تبدیل‌شدن به ابزاری برای لذت‌جویی رها می‌سازد و به او امکان می‌دهد در ابعاد فکری، فرهنگی و اجتماعی بالنده شود (مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۲۷-۱۲۸).

ویل دورانت در توصیف حجاب‌های تاریخی، آن‌ها را نوعی محدودیت و سلب آزادی برای زنان تلقی می‌کند. او این محدودیت‌ها را محصول اقتدار مردانه و سنت‌های اجتماعی می‌داند که حضور زن را در عرصه عمومی محدود می‌کرده است (دورانت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

۸-۴ محدوده و نوع حجاب مطلوب

شهید مطهری محدوده حجاب اسلامی را پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دودست تا می‌داند و آن را با حضور فعال و باوقار زن در جامعه سازگار می‌شمارد (مطهری، مسئله حجاب، ص ۹۳). او

با انزوای زن مخالف است و اسلام را ترویج‌دهنده حجابی متعادل می‌داند، نه حجاب‌های افراطی و خانه‌نشین کننده.

ویل دورانت فاقد یک "محدوده مطلوب" برای حجاب است و صرفاً به توصیف حجاب‌های بسیار سخت‌گیرانه در تمدن‌ها می‌پردازد که در برخی موارد شامل حبس زن در خانه، عدم ارتباط حتی با محارم مرد و پوشش‌های بسیار سنگین بوده است (دورانت، تاریخ‌تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲).

نتیجه‌گیری

در مجموع، بررسی تطبیقی دیدگاه‌های شهید مطهری و ویل دورانت درباره حجاب، باوجود اذعان هر دو به قدمت تاریخی حجاب و وجود اشکال سخت‌گیرانه آن در تمدن‌های پیشین، تفاوت‌های بنیادینی را در مبانی فلسفی، ریشه‌ها و کارکردهای حجاب آشکار می‌سازد.

شهید مطهری، با رویکردی اسلامی و ارزشی، حجاب را نه صرفاً یک پوشش، بلکه مصونیتی برای زن، ضامن کرامت انسانی او، و ابزاری برای تحکیم بنیان خانواده و سلامت اخلاقی جامعه می‌داند. از نگاه او، حجاب اسلامی با محدودیت‌های عیفانه خود، زن را از ابتذال و نگاه‌های ابزاری حفظ می‌کند و به او اجازه می‌دهد باوقار و هویت حقیقی خود در جامعه حضور فعال داشته باشد. فلسفه اصلی حجاب، از دید مطهری، محدودکردن کامیابی‌های جنسی به محیط مشروع خانواده و پیشگیری از بروز فساد در عرصه عمومی است.

در مقابل، ویل دورانت، به‌عنوان یک مورخ، به توصیف پدیده حجاب در به مدار تاریخ می‌پردازد و ریشه‌های آن را عمدتاً در عوامل اجتماعی، روان‌شناختی (مانند حسادت مردان و تمایل به تملک زن) و فرهنگی جستجو می‌کند. وی کمتر به ابعاد ارزشی یا کمال‌بخش حجاب می‌پردازد و بیشتر به محدودیت‌ها و پیامدهای اجتماعی حجاب‌های سخت‌گیرانه که منجر به انزوا یا تقلیل جایگاه زن در برخی تمدن‌ها می‌شده، اشاره دارد. از دید دورانت، حجاب‌های افراطی بیشتر نمود کنترل و قدرت مردانه بر زن بوده‌اند.

به‌طور خلاصه، درحالی‌که مطهری حجاب را یک عامل ارتقادهنده و محافظ برای زن و جامعه معرفی می‌کند، دورانت بیشتر به توصیف تاریخی حجاب به‌عنوان یک محدودیت اجتماعی (که گاه ریشه‌های منفی نیز دارد) می‌پردازد. این تفاوت در مبانی و اهداف، تحلیل آن‌ها از کارکرد و پیامدهای حجاب را نیز کاملاً متفاوت می‌سازد و نشان می‌دهد که پدیده‌ای واحد می‌تواند از منظرهای گوناگون، تفاسیر و برداشت‌های متفاوتی داشته باشد.

در نهایت، تفاوت اساسی این دو دیدگاه در مبانی فلسفی آن‌هاست. مطهری حجاب را با نگاهی دینی و ارزشی، جزئی از نظامی اخلاقی برای کمال زن و سلامت جامعه می‌بیند. در مقابل، دورانت حجاب را بیشتر از منظر تاریخی و جامعه‌شناختی بررسی می‌کند و ریشه‌های آن را در تحولات اجتماعی و روان‌شناختی جوامع می‌یابد، بدون اینکه لزوماً به ارزش‌های اخلاقی یا دینی آن تأکید کند. این تفاوت در مبانی، به تفاوت در تحلیل کارکردها و پیامدهای حجاب نیز منجر می‌شود.

فهرست منابع

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب.

دانشگاه بیرجند. (بی تا). "فلسفه حجاب چیست؟".

دورانت، ویل. (۱۳۳۷). تاریخ تمدن. ترجمه: احمد آرام. ج ۱. ۱۰/۱۱/۱۲ تهران: اقبال.

دورانت، ویل. (۱۳۴۳). تاریخ تمدن. ترجمه: احمد آرام. ج ۱۲. تهران: انتشارات هنرهای زیبا.

دورانت، ویل. (۱۳۶۷). تاریخ تمدن. ترجمه: احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق). کتاب العین. قم: انتشارات هجرت.

کاظمپور، الهام و جمعی از همکاران. (۱۳۹۷). "مقاله". فصلنامه زن و مطالعات خانواده. شماره ۳۸.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). مسئله حجاب. تهران: صدرا.

مطهری، مرتضی. (بی تا). مسئله حجاب. قم: انتشارات صدرا.

نمناک. (بی تا). "انواع حجاب که در قرآن به آن اشاره شده است".

ویکی فقه. (بی تا). "حجاب".

پرسمان دانشگاهیان. (بی تا). "پوشش اسلامی - حجاب اسلامی - انواع حجاب".

منابع الکترونیکی:

۱. سایت تخصصی اجتماعی